

عنوان مقاله:

نقد مولفه‌های فرهنگی مدرنیته در نوشته‌های وبر، لیوتار و فوکو

محل انتشار:

دوفصلنامه غرب شناسی بنیادی، دوره 5، شماره 2 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

علی صالحی فارسانی - دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، دانشگاه تهران

سعید حاجیناصری - استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

با بازخوانی نوشته‌های وبر و فراروی از خوانش پارسونزی از وی، سوبه‌های نیچه‌ای رویکرد وی به مدرنیته و مولفه‌های فرهنگی آن نمایان می‌شود؛ آنگونه که به برجسته‌سازی نقش وی چونان میانجی انگاره‌های نیچه‌ای و رویکرد انتقادی پسامدرن‌انی چون لیوتار و فوکو به مدرنیته میانجامد. برای آزمودن این فرضیه، نخست باید شاخصی برای سنجش همسانیها و ناهمسانیهای وبر و پسامدرن‌انی چون لیوتار و فوکو برگزید و پس از آن باید روشی برای کاربست آن شاخص به کار گرفت. شاخص سنجش در این مقاله سه بیماری مدرنیته است و چونان چهارچوب پژوهشی مقاله به شمار میرود. همچنین، روش کاربست این شاخص نیز در این مقاله تاریخ ایده‌های «لاوجوی» خواهد بود. بر اساس این چهارچوب نظری و روش، چهار واحد - انگاره، به عنوان مولفه‌های تجزیه‌ناپذیر بافت اندیشه این سه، برگزیده شده است. یافته‌های پژوهش نشان از برجستگی واحد - انگاره‌های «ابزارگرایی» در وبر، «تمایزیابی ارزشی» و «همسانی فرهنگی» در لیوتار و «خودآیینی» در فوکو دارد؛ البته این برجستگی به معنی نبودن سایر واحد - انگاره‌ها در بافت اندیشه این سه تن نیست. همچنین لیوتار و فوکو، برعکس وبر، بر امکان فراروی از آن پای می‌فشارند.

کلمات کلیدی:

مدرنیته، ابزارگرایی، تمایزیابی ارزشی، همسانی فرهنگی، خودآیینی، تاریخ ایده‌ها، واحد - انگاره، فراروی از مدرنیته

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1188743>

